



بلوغ به عنوان ملاک سن ازدواج در فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک (CRC)

حوریه خدایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲

چکیده

موضوع سن ازدواج همواره از مباحث چالش برانگیز در حوزه فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران بوده است. منابع فقهی، سن مشخصی را برای ازدواج تعیین نکرده‌اند و عمده استناد فقها به بلوغ شرعی، به ویژه در دختران، با معیار ۹ سالگی بوده است؛ در حالی که در برخی روایات نیز از منع نزدیکی با دختر بچه نابالغ سخن به میان آمده که حکایت از ملاحظاتی فراتر از بلوغ جنسی دارد. در حقوق ایران نیز اگرچه قانون گذار با استناد به مبانی فقهی، ازدواج صغیره را با اذن ولی و اجازه دادگاه امکان پذیر دانسته، اما در جهت حفظ مصالح کودک، محدودیت‌هایی برای ازدواج در سنین پایین پیش بینی کرده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی میان فقه و حقوق، در پی تبیین مبانی فقهی و قانونی سن ازدواج و تحلیل پیامدهای اجتماعی و حقوقی آن است. همچنین تأثیرپذیری قانون داخلی از اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، و نگرانی‌هایی پیرامون جایگزینی روابط خارج از چارچوب نکاح در نتیجه محدودیت‌های قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بازتعریف سن ازدواج بر مبنای رشد عقلی و مصلحت‌سنجی اجتماعی، در چارچوب فقه حکومتی، و در نظر گرفتن «رشد» و «بلوغ عقلی» به عنوان ملاک اصلی اهلیت ازدواج، می‌تواند راهکاری مناسب برای تلفیق مبانی شرعی با واقعیت‌های نوین باشد.

کلیدواژه‌ها: سن ازدواج، نکاح صغیره، کنوانسیون حقوق کودک، رشد عقلی و مصلحت اجتماعی

۱. مدرس حوزه و دانشگاه: khodaeihuri@yahoo.com

مقدمه

ازدواج یکی از مقدس‌ترین و بنیادین‌ترین نهادهای اجتماعی در زندگی انسانی است که در آموزه‌های دینی، به ویژه دین اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» که نشان‌دهنده اهمیت و نقش پیوند زوجیت در ایجاد آرامش، مودت و رحمت میان انسان‌هاست. اسلام ازدواج را نه تنها نیاز فطری بلکه هماهنگ با قانون آفرینش برای بقای نسل، آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی می‌داند. از آنجا که تشکیل خانواده بر پایه پیوند زن و مرد استوار است، هر یک از این دو رکن باید ویژگی‌هایی از جمله سن مناسب برای ازدواج داشته باشند تا پیوندی صحیح و مستحکم شکل گیرد.

یکی از مهم‌ترین ارکان تعیین‌کننده ازدواج، مسئله سن مناسب برای این پیوند است. در متون فقهی، سن ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران به عنوان سن بلوغ در نظر گرفته شده است که با رسیدن به این سنین، انسان بالغ محسوب می‌شود و کلیه حقوق و تکالیف بلوغ بر او بار می‌شود. با این حال، در قوانین رسمی کشورها و اسناد بین‌المللی، به ویژه «کنوانسیون حقوق کودک» که به عنوان یک سند بین‌المللی جامع در حمایت از حقوق کودکان شناخته می‌شود، سن ۱۸ سال به عنوان حداقل سن ازدواج تعیین شده و با رویکرد کلیشه‌ای و غیرقابل انعطاف، تفاوت‌های فردی در رشد عقلی و بلوغ واقعی کودکان را نادیده می‌گیرد. این کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته است تا برای حفظ سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کودکان، حداقل سن ازدواج را ۱۸ سال در نظر بگیرند و از ازدواج زودهنگام جلوگیری کنند. اهمیت این کنوانسیون در ارتقای استانداردهای جهانی حقوق کودک و حمایت از رشد همه‌جانبه کودکان، جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اجتماعی دارد.

اهمیت و ضرورت تعیین سن ازدواج مناسب در جامعه بسیار گسترده است. این موضوع تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله سن بلوغ، هنجارهای دینی، آداب و رسوم، قوانین اجتماعی، وضعیت اقتصادی، تحصیلات و جنسیت قرار دارد. سن ازدواج تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای بر تحکیم یا تزلزل بنیان خانواده دارد و پیامدهای اجتماعی، روانی و جسمانی



مختلفی به دنبال دارد. مقام معظم رهبری نیز به لزوم توجه به این موضوع اشاره کرده و ضمن تأکید بر عدم اجبار به ازدواج زودرس، نسبت به تأخیر بسیار زیاد در سن ازدواج و پیامدهای منفی آن هشدار داده‌اند. بنابراین، بررسی دقیق و همه‌جانبه دیدگاه‌های دینی و غیر دینی در این حوزه ضرورت دارد تا سیاست‌گذاری‌های مؤثر در راستای ترویج ازدواج سالم و جلوگیری از پیامدهای ازدواج نامناسب شکل گیرد.

پیشینه تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که دیدگاه‌های متنوعی در خصوص بهترین سن ازدواج مطرح شده است. فقهای بزرگی چون امام خمینی، مکارم شیرازی، و دیگران، بلوغ جنسی و رشد عقلی و جسمانی را ملاک ازدواج دانسته‌اند، در حالی که برخی متخصصان مسائل روانی و ژنتیکی، سن ۱۸ سالگی را به عنوان حداقل سن مناسب می‌دانند. در مقایسه با این نظرات، اسناد بین‌المللی و به ویژه کنوانسیون حقوق کودک با تأکید بر رشد روانی، اجتماعی و اقتصادی، سن ۱۸ سال را ملاک قرار داده‌اند که در برخی موارد با دیدگاه‌های فقهی تفاوت بنیادین دارد. پژوهش‌های انجام شده عمدتاً به بررسی سن ازدواج دختران پرداخته‌اند و کمتر به مقایسه جامع بین دیدگاه‌های فقهی و قوانین بین‌المللی پرداخته شده است، به ویژه اینکه نگاه به سن ازدواج پسران نیز در این تحقیقات کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی سن ازدواج از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران با اسناد کنوانسیون حقوق کودک است. از آنجا که نگرش فقهی بر مبنای بلوغ جنسی به عنوان نخستین معیار و رشد جسمی و عقلی استوار است و قوانین حقوقی ایران نیز سن رشد را مدنظر قرار داده‌اند، در حالی که کنوانسیون سن ۱۸ سالگی را ملاک ازدواج قرار داده و بلوغ جنسی را صرفاً تغییر زیستی می‌داند، این تفاوت مبانی و تعاریف موجب بروز چالش‌ها و اختلافات در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی شده است. همچنین این تفاوت دیدگاه‌ها، ناشی از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و فلسفی متفاوتی است که کنوانسیون حقوق کودک را از نگاه دینی متمایز می‌کند.

بنابراین، این تحقیق درصدد است با واکاوی دقیق مستندات فقهی، حقوقی و بین‌المللی، ضمن شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌ها، راهکارهایی ارائه دهد که بتواند تحقق احکام اسلامی را در



چارچوب قوانین بین‌المللی ممکن سازد و به ترویج ازدواج سالم و مناسب کمک کند.

۱- سن ازدواج در فقه امامیه

در فقه امامیه، بلوغ به عنوان نقطه گذار از کودکی به بزرگسالی و مرحله آغاز مسئولیت‌های شرعی شناخته می‌شود. از منظر فقهی، بلوغ نه تنها شرط تکلیف دینی، بلکه مقدمه‌ای برای ورود به بسیاری از حوزه‌های حقوقی و اجتماعی، از جمله ازدواج است. بلوغ در اصطلاح عام، مرحله‌ای طبیعی در زندگی انسان است که با پیدایی و بروز نشانه‌های جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونی‌های جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی همراه است. در فقه، بلوغ به معنای پایان دوران کودکی فرد و رسیدن به اهلیت توجّه تکلیف و آغاز مسئولیت شرعی است، که فرد ملزم به رعایت احکام و قوانین شرعی می‌گردد. فقها از بلوغ در ابواب مختلف مانند عبادات، معاملات، و نکاح سخن گفته‌اند.

فقه امامیه معیارهای متعددی برای بلوغ شرعی ارائه می‌دهد، یکی از نشانه‌های آن احتلام در مردان و حیض در زنان یا روییدن موی برغانه یا کامل شدن ۱۵ سال قمری در پسر و رسیدن به ۱۰ سال در دختر است. پیش از رسیدن به این سنین، انجام تکالیف شرعی جنبه تمرینی دارد و الزامی نیست، مگر اینکه کودک توانایی انجام آن را داشته باشد.

تحلیل مفهومی بلوغ در قرآن کریم

در قرآن کریم، مفهوم بلوغ به‌طور ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفته و از منظرهای مختلف بررسی شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با بلوغ، موضوع ازدواج و تعیین سن مناسب برای آن است که در آیات مختلف قرآن کریم به آن اشاره شده است. در این میان، بلوغ را می‌توان از جنبه‌های گوناگونی مورد تحلیل و تفکیک قرار داد.

در قرآن کریم، برای تبیین مراحل طبیعی رشد کودک، از سه تعبیر استفاده شده است: «بلوغ نکاح»، «بلوغ حُلُم» و «بلوغ اُشُد».

در برخی آیات که به بلوغ اشاره شده است، از واژه «حُلُم» استفاده شده است. در آیه ۵۸ و

۵۹ سوره نور آمده است^۱. ظاهراً مقصود از «بلوغ حُلُم» بلوغ جنسی است. قرآن کریم جهت حفظ حریم خانواده و عفت خانوادگی، به کودکانی که به بلوغ جنسی رسیده اند، دستور داده که باید همیشه به هنگام ورود به اتاق استراحت پدر و مادر، اجازه بگیرند؛ اما برای کودکان ممیزی که به بلوغ جنسی نرسیده اند، سه بار اجازه گرفتن کافی است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۷۶). تفسیر این آیات نشان می‌دهد که بلوغ در این جا به معنای رسیدن فرد به مرحله‌ای از توانایی‌های جنسی و فیزیولوژیکی است که می‌تواند علامتی برای تشخیص بلوغ باشد. به ویژه در مورد پسران، این مرحله با علامت «احتلام» (تحریک جنسی در خواب) و در مورد دختران با «حیض» (قاعدگی) مشخص می‌شود. احتلام کنایه از رسیدن فرد به درجه‌ای از توانان جنسی است که در اثر آن قوای جنسی تحریک می‌شوند. از این رو حُلُم به معنای وقوع بلوغ است و طفل کسیست که به بلوغ جنسی نرسیده باشد (طباطبایی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۸۷).

واژه بلوغ نکاح در آیه ششم سوره نساء^۲ نیز به بلوغ اشاره دارد. در این آیه، بلوغ به مرحله‌ای از رشد اشاره دارد که فرد قادر به اداره اموال خود و انجام تعهدات قانونی و اجتماعی است. این مرحله، در قرآن کریم به بلوغ در مفهوم رشد عقلی، فکری و فیزیکی تعبیر شده است (طباطبایی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۸). واژه «یتامی» در این آیه به نظر تمام مفسرین و فقهاء شامل دختر و پسر است. مخاطب آیه نیز اولیای کودک است که به ایشان دستور می‌دهد که فرزندان را

۱- «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (سوره نور، ۵۹). (و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد، و خدا دانای سنجیده کار است).

۲- «وَ ابْتَئُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (سوره نساء، آیه ۶). ((و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموال شان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هرگاه اموال شان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است)).





بیازمایند تا وقتی که به حد نکاح برسند و در آن‌ها رشد عقلی حاصل شود (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰).

واژه «أَشَدَّ» نیز در آیات قرآن به بلوغ کامل و دستیابی به مرحله‌ای از رشد عقلانی و جسمانی اشاره دارد. آیات مختلفی^۱ به «أَشَدَّ» بعنوان علامت بلوغ اشاره دارد. این بلوغ به معنای رسیدن به مرحله‌ای از قدرت جسمانی و عقلانی است که فرد قادر به پذیرش مسئولیت‌های جدید می‌شود. در این مرحله، فرد نه تنها به بلوغ جنسی، بلکه به بلوغ عقلانی نیز رسیده و قادر به مدیریت و تصرف در امور خود است. لذا، در برخی آیات «بلوغ أَشَدَّ» در برابر دوران طفولیت قرار گرفته است^۲. مقصود از «بلوغ أَشَدَّ» در این گونه موارد، مرحله بعد از دوران کودکی است؛ اما این که این مرحله از چه سنی آغاز می‌شود و چه علائمی دارد آیه ساکت است. از این رو، برای پاسخگویی به این سؤال می‌توان به احادیث اهل بیت علیهم السلام یا به عرف مردم مراجعه کرد.

در دو آیه، «بلوغ أَشَدَّ»، موضوع حکم حَجَر از ایتمام، قرار داده شده است که نشانه بلوغ حقوقی است^۳. با قرار دادن این آیه در کنار آیه ششم از سوره نساء می‌توانیم به این نتیجه برسیم که منظور از «بلوغ أَشَدَّ» بلوغ جنسی همراه با رشد عقلی است که موجب رفع حَجَر شده است. همچنین «بلوغ أَشَدَّ» در آیه ۸۲ از سوره کهف^۴ - که در باره حفظ گنج مربوط به دو یتیم است به خاطر این که آن‌ها به رشد عقلی برسند - می‌تواند به همین معنا دلالت کند.

در آیه ای دیگر «بلوغ أَشَدَّ»، اشاره به مرحله ای است که پیامبران الهی برای رسیدن به منصب رسالت الهی و مدیریت و رهبری جامعه، آمادگی پیدا می‌نمودند و اشاره به بلوغ

۱- (وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) (یوسف، آیه ۲۲) و (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوعًا). (غافر، آیه ۶۷).

۲- (ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ) (فاطر، آیه ۶۷).

۳- (وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ) (اسراء، آیه ۳۴).

۴- «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ...» (کهف، آیه ۸۲)



مدیریتی و رهبری دارد.^۱ همچنین برخی از امامان اهل بیت علیهم السلام مانند امام جواد علیه السلام نیز در کودکی به امامت رسیده اند. این به این معناست که هر چند «بلوغ اشد» مرحله پس از کودکی است و به طور طبیعی زمینه ساز توانایی مدیریت و رهبری است، ولی خداوند متعال بر اساس حکمت سرآمد خود، در شرایط سیاسی - اجتماعی ویژه، توان رهبری و هدایت جامعه را به کسانی که شایستگی لازم را داشته اند، در سنین کودکی عطا نموده است. در واقع، «بلوغ اشد» به این مفهوم در این گونه موارد، به صورت استثنایی برای عده ای، زودتر از موعد طبیعی پدید آمده است.

نکات قابل توجه از بررسی آیات قرآن درباره بلوغ

- ۱- در قرآن کریم، برای بلوغ در دختران و پسران تفاوتی قائل نشده است.
- ۲- بلوغ در قرآن به عنوان یک فرآیند طبیعی و تکوینی مطرح شده و هیچ اشاره‌ای به سن یا علامت خاصی جز نشانه‌های فیزیولوژیکی طبیعی از قبیل «حلم»، «احتلام»، «حیض» و «اشد» نشده است.
- ۳- بلوغ در قرآن، نقطه آغاز دوره جدیدی از زندگی است که همراه با تکالیف و مسؤولیت‌های جدید می‌باشد. فرد پس از رسیدن به بلوغ، مسؤولیت‌های دینی و اجتماعی را به دوش می‌کشد.
- ۴- در آیات قرآن، بلوغ به عنوان شرطی برای ازدواج و نکاح مطرح شده است و این بلوغ به وسیله نشانه‌های طبیعی از قبیل احتلام و حیض در پسران و دختران قابل اثبات است.
- ۵- از این آیات می‌توان توجه نمود که بلوغ، دارای درجات گوناگون است و در آیات قرآن بلوغ در همه جا به یک معنا نیست. ممکن است کسی از نظر جنسی بالغ باشد ولی از نظر حقوقی بالغ نباشد.

۱- «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاشْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص، آیه ۱۴). «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، آیه ۲۲).

۱-۱- روایات و سن بلوغ

اکثر روایات وارد شده از معصومین (علیهم السلام) هیچ سن و زمان خاصی را برای ازدواج تعیین نکرده‌اند. آنچه در این روایات مطرح شده، بیشتر به مفهوم بلوغ و نشانه‌های مرتبط با آن اشاره دارد. به طور کلی، این روایات نشانه‌های بلوغ را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کنند: روایاتی که سن را معیار بلوغ قرار می‌دهند و روایاتی که ظهور علایم خاص را نشانه بلوغ می‌دانند و در این روایات، تعیین سن تنها به عنوان اماره‌ای برای تشخیص بلوغ تلقی شده است.

این تقسیم‌بندی در بسیاری از متون حدیثی و فقهی مورد تأکید قرار گرفته است و نشان می‌دهد که در سنت اسلامی، بلوغ بیشتر به عنوان یک فرآیند طبیعی و فیزیولوژیکی در نظر گرفته شده که به وسیله علایم بدنی مشخص می‌شود، نه لزوماً بر اساس عدد یا سن خاصی.

در برخی از روایات مبنای رسیدن کودک به بلوغ، تعیین سن خاصی بوده است که غالباً برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال ذکر شده است. با این حال، این روایات به ویژه در خصوص سن بلوغ دختران، اختلافاتی را به همراه دارند.

روایات مختلف در این باب عبارت است از: تعداد زیادی از روایات سن ۹ سال برای دختران^۱ و برخی از روایات بلوغ را ۱۰ سالگی ذکر کرده‌اند. حل تعارض آن با جمع بین دو حکم امکان‌پذیر است یعنی منظور از ۱۰ سالگی پایان ۹ سال در نظر گرفته می‌شود. همچنین برخی روایات سن بلوغ دختران را سیزده سال ذکر می‌کند^۲ برخی فقها سن بلوغ در دختر و پسر را مساوی و آن را پانزده سالگی دانسته‌اند^۳. اکثر روایات برای پسران سن ۱۵ سال را ذکر کرده‌اند

۱- «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ تِسْعَ سِنِينَ دُفِعَ إِلَيْهَا مَالُهَا وَ جَازَ أَمْرُهَا فِي مَالِهَا وَ أُقِيمَتِ الْحُدُودُ النَّائِمَةُ لَهَا وَ عَلَيَّهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۸، ص ۴۱۱).

۲- «...و الجارية مثل ذلك ان آتی لها ثلاث عشرة سنة أو حاضت قبل ذلك فقد وجبت عليها الصلاة و جرى عليها القلم». (حرعاملی، ج ۱، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۵).

۳- «قد ذكرناه في الصلاة و الحجر، و جملته متى بلغ الغلام أو الجارية خمس عشرة سنة فقد بلغ..» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۱).



^۱. همچنین در روایات علائم دیگری مانند احتلام، انبات (رویش موی زهار) ذکر شده است.

در آیات و روایات اسلامی هیچ اشاره مستقیمی به عدد خاص به عنوان سن ازدواج برای دختران و پسران نشده فقط درباره اجازه به جماع برای دختران ممنوعیت داشتن کمتر از ۹ سال سن مورد تأکید است. هرگونه اشکالی که درباره سن ازدواج بر قوانین فقهی ما وارد شود را می توان با بیان موضوع اذن و اجازه ولی در عقد ازدواج نابالغ پاسخ داد یعنی موضوعی که سال ها مورد انتقاد مجامع علمی واقع شده امروزه راه حلی بر تعارضات موجود در سن ازدواج است. به این صورت که اگر به هر دلیلی فرد نابالغ ناچار به عقد ازدواج شود با رضایت پدر و جد پدری جواز این عقد امضاء می شود.

اگر چه این اشکال وجود دارد که ازدواج در سنین کودکی و قبل از بلوغ به صرف اجازه پدر و جد پدری ازدواج تحمیلی است و احتمال جدایی در سنین بزرگسالی را دارد. اما، این نکته قابل دقت است که دختر و پسر می توانند بعد از بلوغ نسبت به عقد اعلام رضایت کنند و یا عقد قبل از بلوغ را منحل نمایند.

۲-۱- تمایز میان بلوغ و رشد

در فقه اسلامی، علاوه بر «بلوغ» (که معمولاً سنی پایین تر دارد)، شرط «رشد» (بلوغ فکری و توانایی اداره امور مالی و شخصی) نیز برای بسیاری از امور حقوقی لازم است. لذا، بلوغ به تنهایی برای احراز صلاحیت در تمام امور حقوقی کافی نیست. شرط رشد، به معنای بلوغ فکری و توانایی اداره امور مالی و اجتماعی، در کنار بلوغ شرعی در مواردی همچون ازدواج، تصرف در اموال، و خروج از حجر مطرح است. در واقع، «رشد» مرحله ای فراتر از بلوغ زیستی است که با ملاک هایی مانند عقلانیت، قدرت تصمیم گیری و صلاحیت اجتماعی سنجیده می شود. از این

۱- «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ لَهُ مَتَى يَجِبُ عَلَى الْغُلَامِ أَنْ يُؤْخَذَ بِالْحُدُودِ النَّامَةِ وَ تَقَامَ عَلَيْهِ وَ يُؤْخَذَ بِهَا فَقَالَ إِذَا خَرَجَ عَنْهُ الْيُسُومُ وَ أَدْرَكَ قُلْتُ فَلِذَلِكَ حَدٌّ يُعْرَفُ بِهِ فَقَالَ إِذَا اخْتَلَمَ أَوْ بَلَغَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً ...» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۳).

منظر، می‌توان گفت که معیارهایی مانند سن ۱۸ سال در اسناد بین‌المللی (نظیر کنوانسیون حقوق کودک)، تطابق بیشتری با مفهوم رشد در فقه اسلامی دارند تا صرفاً با معیار بلوغ شرعی.

۳-۱- بلوغ، شرط درستی یا جواز بسیاری از احکام

موضوع بلوغ در فقه مذاهب اسلامی و فقه شیعه، جایگاه ویژه‌ای دارد و شرط درستی یا جواز بسیاری از احکام و قوانین است. بسیاری از مقررات شرعی مانند احکام حقوقی، جزایی، مالی و اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مشمول فرد بالغ می‌گردد. انجام معاملات و قراردادهای بسته به بلوغ است. البته علاوه بر بلوغ، رشد فرد نیز باید احراز شود، به این معنی که می‌باید توانایی و قدرت تشخیص کامل نسبت به انجام معاملات داشته باشد.

۳-۱- عدم اعتبار بلوغ در احکام وضعی

در فقه امامیه، بلوغ شرط لازم برای بسیاری از احکام تکلیفی شناخته می‌شود، اما در حوزه احکام وضعی، چنین ضرورتی وجود ندارد. احکام وضعی، که ناظر بر آثار و نتایج حقوقی افعال مکلفین هستند، در بسیاری موارد به بلوغ شرعی وابسته نیستند و شامل کودکان نیز می‌شوند. از جمله این احکام می‌توان به مواردی اشاره کرد که موضوع آن‌ها صدور ارادی فعل از فاعل است؛ مانند ملکیت که شخص در صورت احیای زمین بایر، مالک آن می‌گردد. همچنین احکامی که موضوع آن با صرف تحقق فعل فیزیکی ایجاد می‌شوند؛ مانند حکم ضمان که در نتیجه اتلاف مال غیر به وجود می‌آید. و حکم نجاست در اجسام که به صرف ملاقات با نجس ثابت می‌شود (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). در این دسته از احکام، بالغ و نابالغ در حکم برابرند. بنابراین، در مواردی همچون ارث، دیه، ضمان اتلاف، غصب، خیانت در امانت، شفعه، و ولایت بر قصاص، تحقق بلوغ به عنوان شرط ضروری تلقی نمی‌شود. در این حوزه‌ها، کودک از بدو تولد دارای اهلیت تمتع (توان بهره‌مندی از حقوق و تکالیف) است، هرچند اهلیت استیفا (اجرای حقوق و ایفای تعهدات) تا پیش از بلوغ بر عهده ولی شرعی یا قیم قانونی او قرار دارد (حداد عادل، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۶۴).

این تمایز میان اهلیت تمتع و اهلیت استیفا، یکی از اصول پذیرفته شده در فقه شیعه

است و فقهای بسیاری به آن تصریح کرده‌اند (انصاری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۷۸؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۵۹).

۴-۱- عدم اعتبار بلوغ در مستحبات و مکروهات

در فقه امامیه، بلوغ شرط تحقق تکالیف الزامی یعنی واجبات و محرمات است؛ به گونه‌ای که خطاب شارع در این دو حوزه تنها متوجه مکلف بالغ می‌شود. چنان‌که صاحب جواهر، این شرط را از مسلمات و ضروریات فقه می‌داند (نجفی جواهری، ۱۳۶۱، ج ۱۱، ص ۲۵۸). با این حال، در مورد احکام مستحبی و مکروه، بلوغ شرط نیست و این احکام می‌توانند شامل کودک ممیز نیز بشوند. بنابراین، عبادات غیرواجب چون نماز مستحبی، روزه، اعتکاف یا حتی حج کودک ممیز، در صورتی که با قصد قربت انجام شود، صحیح و مشروع بوده و مستحق ثواب اخروی نیز هست (همدانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۵) به این معنی که خطاب الهی به کودکی که توان تشخیص عبادات و مستحبات و مکروهات را دارد، متوجه می‌گردد و اعمال عبادی‌اش مستند به امر شارع و مستحق پاداش است؛ اگرچه در ارتکاب مکروهات مورد سرزنش یا عقاب قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر: واجبات شرعی در حق کودک ممیز، مستحب است و امور حرام در حق او مکروه. در نتیجه، اگر کودک ممیز اعمال واجب را به قصد اطاعت از امر الهی انجام دهد، مستحق پاداش خواهد بود و ترک محرمات نیز موجب تقرب و ثواب است، هرچند انجام آن‌ها عقاب برانگیز نیست. بنابراین احکام پنج‌گانه اصطلاحی در حق کودک ممیز به سه حکم استحباب، کراهت و اباحه تقلیل می‌یابد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۱۷؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۶۳).

در مقابل این دیدگاه، برخی از فقها، عبادات کودک ممیز را تمرینی دانسته‌اند و معتقدند صحت شرعی یا استحقاق ثواب برای خود کودک ثابت نیست، بلکه این ثواب به ولیتی که کودک را به عبادت و می‌دارد تعلق می‌گیرد (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۳۲).



۲- سن ازدواج در قوانین حقوقی ایران

سن ازدواج در نظام حقوقی ایران، طی دهه‌های گذشته بارها مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته است. این تحولات عمدتاً در قالب ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و قوانین مرتبط با حمایت از خانواده تبلور یافته‌اند و نشان‌دهنده‌ی تعامل میان مبانی فقهی و ملاحظات اجتماعی-حقوقی هستند.

نخستین مقرر در این زمینه، ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ است که در سال ۱۳۱۶ اصلاح شد و به‌عنوان ضمانت اجرای ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ در نظر گرفته شد. بر اساس این ماده، ازدواج دختران پیش از ۱۵ سال تمام و پسران پیش از ۱۸ سال تمام ممنوع اعلام شده بود. با این حال، امکان اعطای معافیت از شرط سنی از طریق پیشنهاد مدعی‌العموم و تأیید دادگاه، با رعایت حداقل سن (۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران)، پیش‌بینی شد. این معافیت مشروط به احراز مصلحت جسمی، مالی و معنوی کودک و نظر موافق پزشکی قانونی بود.

در ادامه، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ با رویکردی سخت‌گیرانه‌تر، سن ازدواج برای زنان را ۱۸ سال و برای مردان ۲۰ سال تعیین کرد. ماده ۲۳ این قانون تصریح داشت که تنها در صورت تأیید دادستان و تصویب دادگاه، و به شرط آنکه سن دختر از ۱۵ سال کمتر نباشد، امکان اعطای معافیت از شرط سن وجود دارد. در غیر این صورت، ازدواج با افراد زیر این سن، جرم محسوب شده و مشمول مجازات‌های مقرر در قانون مصوب ۱۳۱۶ می‌گردید (صفائی و امامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تغییر رویکرد قانون‌گذار در جهت انطباق بیشتر با فقه اسلامی، در سال ۱۳۸۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاح شد. طبق این اصلاحیه، عقد ازدواج پیش از بلوغ با اذن ولی و تشخیص مصلحت مولی‌علیه مجاز اعلام شد^۱. همچنین در همان سال، دو

۱- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاحی ۱/۴/۱۳۸۱) مجمع تشخیص مصلحت نظام) مقرر می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن



تبصره به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی^۱ الحاق گردید که در آن، سن بلوغ شرعی ۱۵ سال تمام قمری برای پسران و ۹ سال تمام قمری برای دختران تعیین شد.

به دنبال این اصلاحات، ازدواج افراد نابالغ تنها در صورت وجود اذن ولی و احراز مصلحت توسط دادگاه صالح امکان پذیر شد (گرجی، ۱۳۹۲، ص ۸۳). طبق این ماده دختر زیر ۹ سال نابالغ محسوب می گردد. برای ضمانت اجرای ماده ۱۰۴۱ ازدواج با دختر نابالغ جرم تلقی گردید. جرم انگاری برای ازدواج با دختر زیر سن قانونی، در سال ۱۳۹۱ در ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده مصوب شد^۲.

این سیر تحولات نشان می دهد که هرچند حقوق ایران در این زمینه تلاش کرده است به سمت ضمانت اجرای قوی تر برای حمایت از کودکان حرکت کند، اما همواره در چارچوب معیارهای فقهی اسلامی باقی مانده است. به عبارت دیگر، قوانین ناظر بر سن ازدواج در ایران نه بر مبنای عرف بین المللی، بلکه بر اساس بلوغ شرعی به عنوان معیار اصلی، و با لحاظ کردن اذن ولی و مصلحت صغیر شکل گرفته اند و تحولات قانونی در سال های مختلف حول محور آرای فقهی دور می زند.

۳- سن ازدواج در کنوانسیون حقوق کودک

ازدواج زودهنگام یکی از چالش های جدی حقوق بشر در سطح بین المللی است. کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب

ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

۱- ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مقرر می دارد: «هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد». تبصره ۱ (الحاقی ۱۴ / ۸ / ۱۳۷۰) - سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام و در دختر نه سال تمام قمری است.

۲- ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مقرر می دارد: «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود...». تبصره - هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تاثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

شد، یکی از فراگیرترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان است. با وجود این، این کنوانسیون مستقیماً «سن ازدواج» را مشخص نکرده، اما با تفاسیر رسمی و پیوسته، مبنای محکمی برای ممنوعیت ازدواج زیر ۱۸ سال (از نوزادی تا سن هجده سالگی) ارائه داده است. در تمام مواد کنوانسیون به کشورهای تابعه این اجازه داده شده که در صورتی که سنی به عنوان سن قانونی در حقوق آن کشور برای کودکان تعیین شده از همان سن پیروی کنند جز در دو مورد، یکی اعمال مجازات کیفری مثل اعدام و دیگری سن قانونی ازدواج، این دو مورد شامل سن قانونی وارده در حقوق کشورهای عضو کنوانسیون نمی‌شود و لازم است طبق مصوبات کنوانسیون سن هجده سال برایشان لحاظ شود.

براساس ماده ۱ این کنوانسیون، کودک به فردی گفته می‌شود که در سن تولد تا ۱۸ سالگی می‌باشد. براساس بند ۲ ماده ۳۲ در مورد تمام مسائل غیر از حق ازدواج و اعمال مجازات کیفری به کشورهای عضو کنوانسیون اجازه داده شده طبق قوانین خودشان سن کودکی را تعریف کنند. اگرچه کنوانسیون مستقیماً حداقل سن مشخصی برای ازدواج تعیین نکرده است، اما کمیته حقوق کودک، نهاد ناظر بر اجرای این کنوانسیون، به طور مداوم و در تفسیرهای خود تأکید کرده است که حداقل سن ازدواج باید ۱۸ سال باشد. این کمیته ازدواج زیر ۱۸ سال را یکی از مصادیق «روابط زیان‌بار» دانسته و آن را مغایر با اصول بنیادین کنوانسیون، از جمله حق کودک بر حمایت، رشد کامل، آموزش و بهره‌مندی از سلامت می‌داند.

همچنین بند دوم ماده ۱۶ عهدنامه رفع تبعیض علیه زنان که در ۱۹۷۹ به تصویب سازمان ملل رسید می‌گوید: «نامزدی و ازدواج کودک اثر حقوقی ندارد...».

۳-۱- تعارضات کنوانسیون حقوق کودک

در نظام حقوق بین‌الملل، حفاظت از حقوق کودکان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، تعاریف و رویکردهای متفاوت در اسناد بین‌المللی گاه به تعارضاتی منجر می‌شود.

- تعارض با قوانین کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار (ILO)

یکی از این موارد، تعارض میان مفاد کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون‌های سازمان



بین‌المللی کار در خصوص حداقل سن، به ویژه در زمینه ازدواج کودکان است. این تعارض، چالشی جدی برای تدوین و اجرای سیاست‌های یکپارچه در حمایت از کودکان در سراسر جهان ایجاد کرده است.

از نظر کنوانسیون حقوق کودک براساس ماده ۱، کودک به هر انسان زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود، مگر اینکه طبق قانون حاکم بر آن کودک، سن بلوغ کمتر تعیین شده باشد. اما، کنوانسیون بین‌المللی کار، تمرکز خود را بر مسائل مربوط به کار و استثمار اقتصادی کودکان معطوف کرده و در کنوانسیون شماره ۱۳۸ (۱۹۷۳) حداقل سن عمومی برای اشتغال را ۱۵ سال تعیین می‌کند و به کشورهای در حال توسعه اجازه می‌دهد که به طور موقت این سن را ۱۴ سال در نظر بگیرند. انجام کارهای سبک را برای کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله مجاز شمرده حداقل سن برای کارهای خطرناک را که سلامت، ایمنی یا اخلاق کودکان را به خطر می‌اندازد، ۱۸ سال تعیین کرده است. تعارض اصلی از تفاوت در تعیین حداقل سن‌ها و اولویت‌های هر یک از این نهادها ناشی می‌شود. در حالی که کنوانسیون حقوق کودک، بر لزوم حمایت همه‌جانبه از افراد زیر ۱۸ سال تأکید دارد، کنوانسیون بین‌المللی کار سن‌های متفاوتی را به رسمیت شناخته است.

- تعارض با اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)

کنوانسیون حقوق کودک، به صراحت «کودک» را هر انسان زیر ۱۸ سال تعریف می‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۶ خود به حق تشکیل خانواده می‌پردازد و در بند ۱ بیان می‌کند که مردان و زنان در سن کامل حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیتی از حیث نژاد، ملیت یا دین، ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهند. در بند ۲ بیان می‌کند که ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه طرفین صورت بگیرد. مشکل اصلی در عبارت «سن کامل» است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، این عبارت را تعریف نکرده و تعیین آن را به قوانین داخلی کشورها واگذار کرده است. این ابهام به دولت‌ها اجازه می‌داد تا سنین پایین‌تری را براساس عرف، سنت یا قوانین مذهبی به عنوان «سن کامل» به رسمیت بشناسند.



- تعارض با حقوق بین الملل بشردوستانه (حقوق جنگ) (IHL)

کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳۸ از کشورها می‌خواهد که از مشارکت مستقیم افراد زیر ۱۵ سال در جنگ و مخاصمات جلوگیری کنند و حداقل سن سربازگیری داوطلبانه را نیز ۱۵ سال در نظر بگیرند. در سال ۲۰۰۰ جامعه بین‌المللی پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه تصویب شد و سن مشارکت مستقیم در مخاصمات و سربازگیری اجباری را ۱۸ سال تعیین نمود.

- تعارض با حقوق بین الملل پناهندگان

کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳ تأکید دارد که «مصلح عالی‌ه کودک» باید در تمام تصمیم‌گیری‌ها یک ملاحظه اولیه باشد. این اصل در کنوانسیون پناهندگان وجود ندارد. امروزه این بحث مطرح است که در تمام مراحل پناهجویی یک کودک (از جمله تعیین وضعیت پناهندگی و تصمیم به بازگرداندن)، اصل مصلح عالی‌ه باید بر ملاحظات صرفاً مهاجرتی اولویت داشته باشد.

- تعارض با حقوق بین الملل کیفری

کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۴۰ از کشورها می‌خواهد که یک حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین کنند که زیر آن سن، کودک فاقد اهلیت لازم برای ارتکاب جرم فرض شود. کنوانسیون عدد مشخصی را تعیین نمی‌کند.

آنچه درباره کنوانسیون مشاهده شد جدای از بحث درباره اهداف اصلی و پشت پرده قانون‌ها و مصوبات سازمان ملل متحد می‌توان مدعی شد که نواقص عقول بشر حتی با وجود بزرگترین اختراعات و پیشرفت‌های باور نکردی و دستیابی به ارتباطات بین‌المللی، توانایی برنامه‌ریزی جامع و فراگیر برای سعادت انسان را ندارد؛ چراکه با یک بررسی ساده به نظر می‌رسد متنی با این همه تعارض و اشکالات بین‌المللی چگونه می‌تواند فراگیر شود و صلاح تمام جوامع با انواع سلاقی و عقاید را محقق کند.

- تعارض کنوانسیون حقوق کودک با قوانین فقه امامیه

مبنای خروج از کودکی مبنای اصلی، رسیدن به «بلوغ شرعی» (بلوغ) است، نه رسیدن به یک سن تقویمی مشخص و یکسان برای همگان. مشهور فقها معتقدند که با دیدن حیض یا رسیدن به ۹ سال تمام قمری (معادل حدود ۸ سال و ۹ ماه شمسی)، دختر به سن بلوغ شرعی می‌رسد. و پسران با احتلام، روییدن موی خشن بر عانه یا رسیدن به ۱۵ سال تمام قمری (معادل حدود ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی)، بالغ محسوب می‌شود.

اگرچه در متن در کنوانسیون حقوق کودک عدد دقیقی برای سن ازدواج ذکر نشده است بلکه فقط اشاره دارد که هر فرد زیر ۱۸ سال شمسی کودک محسوب می‌شود. اما، کمیته حقوق کودک به طور مداوم تأکید کرده که حداقل سن ازدواج باید ۱۸ سال تمام برای دختر و پسر به طور یکسان باشد و سنین پایین‌تر مصداق «رویه زیان‌بار» و نقض حقوق کودک است لذا؛ فقه امامیه ازدواج دختری را که به بلوغ شرعی (۹ سالگی) رسیده، صحیح و معتبر می‌داند، در حالی که از منظر کنوانسیون، این فرد «کودک» است و چنین ازدواجی مصداق «ازدواج کودک» و نقض حقوق بنیادین اوست.

کنوانسیون، خودمختاری و رضایت فردی کودک (که باید به ۱۸ سالگی برسد) را اصل قرار می‌دهد. در مقابل، فقه امامیه برای «ولی» نقشی تعیین‌کننده و قانونی قائل است که می‌تواند استقلال فرد، به ویژه دختر، را محدود کند. ازدواج یک دختر ۱۶ ساله با اذن پدرش از نظر فقهی صحیح است، اما از نظر کنوانسیون به دلیل فقدان سن قانونی و احتمال عدم رضایت کاملاً آگاهانه، مردود است.

در تفسیر «مصلحت» نیز تفاوت اساسی به نظر می‌آید. در دیدگاه کنوانسیون ازدواج زودهنگام به دلیل آثار منفی اثبات شده بر سلامت (بارداری زودهنگام)، ترک تحصیل و افزایش آسیب‌پذیری، ذاتاً و به خودی خود مخالف منافع و مصلحت کودک است. اما، در فقه امامیه تشخیص مصلحت کودک (به ویژه در امور مالی و ازدواج) بر عهده ولی گذاشته شده است. مصلحت در اینجا می‌تواند شامل ابعاد معنوی و دینی نیز باشد. برای مثال، ممکن است ولی تشخیص دهد که ازدواج زودهنگام برای حفظ عفت و دیانت فرزندش یا برای یافتن یک همسر



مناسب که در آینده پیدا نشود، به «مصلحت» اوست.

طبق ماده ۲، تمام حقوق باید بدون هیچ گونه تبعیض، از جمله تبعیض بر اساس جنسیت، برای همه کودکان تضمین شود. لذا، استاندارد ۱۸ سال برای پسر و دختر یکسان در نظر گرفته شده است. اما در فقه امامیه سن بلوغ و به تبع آن ازدواج برای دختر و پسر متفاوت تعیین شده است. همچنین در فقه امامیه اذن ولی، به طور خاص برای دختر باکره مطرح می شود و برای پسر چنین شرطی وجود ندارد. این تفاوت ها در سن و شرایط ازدواج میان دختر و پسر، از منظر کنوانسیون مصداق بارز تبعیض جنسیتی است.

با وجود این تعارضات باید به ظرفیتهای فقه برای کاهش تعرض نیز توجه شود. تأکید بر شرط «رشد» در فقه برای ازدواج که علاوه بر بلوغ شرعی، احراز «رشد» (یعنی بلوغ فکری و توانایی تشخیص مصلحت زندگی) نیز ضروری است. از آنجا که احراز رشد در سنین بسیار پایین دشوار است، این شرط عملاً می تواند حداقل سن ازدواج را بالا ببرد.

۴- سن ازدواج در حقوق چند کشور

در بحث مطالعات حقوقی زنان و سن ازدواج بررسی سایر ملل نقش کنوانسیون را بیش از پیش روشن می نماید. بررسی قوانین ازدواج تمام کشورها خارج از گنجایش بحث است لکن به طور گزیده به بیان قوانین برخی از کشورها بسنده می کنیم. هدف از این بررسی تأیید یا مخالفت با پدیده کودک همسری نیست؛ بلکه توجه به استانداردهای دوگانه در برخورد با این پدیده در کشورهای غربی است.

۴-۱- کشورهای مسلمان

- سن ازدواج در عربستان سعودی

در نظام حقوقی سنتی عربستان سعودی، تا سال های اخیر هیچ حداقل سن قانونی مشخصی برای ازدواج دختران تعیین نشده بود. بر این اساس، عقد نکاح در سنین بسیار پایین (گاهی حتی بین ۸ تا ۱۰ سالگی) نیز صورت می پذیرفت، مشروط بر تحقق شرایطی مانند رضایت



ولی و وجود صیغه شرعی عقد. این رویکرد، ریشه در تلقی‌های فقهی از بلوغ جسمی به عنوان یکی از شرایط صحت نکاح داشت.

با این حال، در سال‌های اخیر و در راستای اصلاحات اجتماعی و حقوقی گسترده در عربستان، دولت این کشور در سال ۲۰۱۹ (برابر با ۱۴۴۱ هجری قمری) مقررهای وضع کرد که بر اساس آن ازدواج افراد زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام شد، مگر با اجازه دادگاه. این تغییر در راستای تلاش برای کاهش ازدواج در سنین پایین و تطبیق نسبی با استانداردهای بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک صورت گرفت.

با وجود این، فقدان ضمانت اجرای کافی برای این قانون، موجب شده است تا ازدواج افراد زیر سن قانونی همچنان در برخی مناطق عربستان ادامه یابد. در برخی موارد، دادگاه‌ها با توجیه مصلحت و رضایت ولی، به عقد ازدواج در سنین پایین‌تر مجوز می‌دهند، موضوعی که زمینه‌ساز نقدهای بین‌المللی شده است. (<https://fa.alalam.ir>).

- سن ازدواج در عراق

بر اساس قوانین مدنی کشور عراق، حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران ۱۸ سال تمام تعیین شده است. با این حال، مطابق ماده ۸ قانون احوال شخصیه عراق، افراد می‌توانند در سن ۱۶ سالگی با کسب مجوز دادگاه صالحه و احراز مصلحت، ازدواج نمایند. این مجوز معمولاً با بررسی وضعیت روانی، جسمی و اجتماعی متقاضی صادر می‌شود.

در سال‌های اخیر، برخی از جریان‌های مذهبی در عراق، با استناد به فقه امامیه، پیشنهادهایی برای کاهش سن قانونی ازدواج به ۹ سال مطرح کرده‌اند. این پیشنهادات با واکنش منفی گسترده‌ای در فضای سیاسی و مدنی عراق همراه بوده و تاکنون مورد تصویب مجلس این کشور قرار نگرفته است. مخالفان این طرح، آن را مغایر با اصول حقوق کودک و تعهدات بین‌المللی عراق در قبال کنوانسیون حقوق کودک دانسته‌اند.

با وجود ثبات نسبی در قوانین ازدواج، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی همچنان زمینه‌ساز ازدواج در سنین پایین در برخی مناطق عراق است. به ویژه در مناطق دور از مرکز، نقش سنت‌ها

و فشارهای اجتماعی، در تصمیم‌گیری خانواده‌ها درباره ازدواج کودکان تأثیرگذار باقی مانده است (fa-ir) <https://www.dw.com>).

- سن ازدواج در سوریه

بر اساس قانون احوال شخصیه شماره ۵۹ سوریه مصوب سال ۱۹۵۳ میلادی، حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران ۱۸ سال تمام تعیین شده است. با این حال، قانون مزبور در موارد خاص به دادگاه اجازه می‌دهد تا در صورت احراز بلوغ جسمی و روانی نوجوان، اجازه ازدواج را از سن ۱۵ سالگی به بعد صادر نماید.

به موجب این قانون، در صورتی که نوجوانی پس از پایان ۱۵ سالگی، ادعای بلوغ نماید و تمایل به ازدواج داشته باشد، دادگاه می‌تواند با انجام بررسی‌های لازم و در صورت احراز صحت ادعا، رضایت ولی (در درجه اول پدر) را نیز در نظر گرفته و مجوز ازدواج صادر نماید. یکی از شروط اساسی صدور چنین مجوزی، آگاهی طرفین از حقوق و تکالیف زناشویی است که قاضی موظف به احراز آن پیش از صدور رأی است.

در نتیجه، اگرچه قانون سنی برابر با ۱۸ سال را به عنوان قاعده کلی تعیین کرده است، اما در عمل و بر اساس استثنائات قانونی، حداقل سن ازدواج در سوریه می‌تواند تا ۱۵ سال کاهش یابد. این موضوع، در فضای بین‌المللی با نقدهایی مواجه شده است، به‌ویژه در ارتباط با انطباق آن با اصول کنوانسیون حقوق کودک، که سوریه نیز به آن پیوسته است (<https://dmelal.ir>).

- سن ازدواج در افغانستان

در گذشته بخش اعظم ازدواج‌ها در دختران در سن قبل از پانزده سالگی (از ۹ سالگی به بعد) و در پسران قبل از ۲۰ سالگی (از ۱۵ سالگی به بعد) صورت می‌گرفت؛ ولی اخیراً سن ازدواج، به‌ویژه در شهرها و در میان اقشار تحصیل کرده رو به افزایش بوده است، بیشتر ازدواج‌ها در دختران در سنین بین ۱۶ تا ۲۰ سالگی صورت می‌گیرد. طبق ماده ۷۱ قانون مدنی افغانستان،



«عقد نکاح صغیره کمتر از ۱۵ سال به هیچ وجه جواز ندارد» و ازدواج در سن کمتر از ۱۵ سال کامل با اجازه محکمه امکان پذیر است» (<https://dmelal.ir>). در حال حاضر در حال حاضر در افغانستان حدود ۳۰ درصد ازدواج های زیر سن صورت می گیرد (fa- <https://www.dw.com>). (af)

- سن ازدواج در ترکیه

در نظام حقوقی ترکیه، سن قانونی ازدواج برای هر دو جنس ۱۸ سال تمام تعیین شده است. مطابق با قوانین مدنی این کشور، ازدواج افراد زیر ۱۸ سال به طور کلی ممنوع است و در موارد نادری، افراد ۱۷ ساله می توانند با رضایت والدین و در صورت تأیید دادگاه صالح، ازدواج کنند. برای افراد ۱۶ ساله نیز، صرفاً در موارد استثنایی و با اجازه قضایی خاص امکان ازدواج وجود دارد. این شروط نشان دهنده رویکرد محافظه کارانه و کودک محور قانون گذار ترکیه در زمینه حمایت از افراد نابالغ در فرآیند ازدواج است.

علاوه بر محدودیت های سنی، قانون جزایی ترکیه نیز ازدواج با افراد زیر ۱۸ سال را در اغلب موارد جرم تلقی می کند. چنان که چنانچه هریک از زوجین در زمان وقوع عقد، زیر ۱۸ سال باشند و این موضوع بدون مجوز قانونی انجام شود، سیستم قضایی ترکیه برخورد جدی و کیفری با عاملان این ازدواج خواهد داشت. این سیاست کیفری شدید، با هدف پیشگیری از کودک همسری و حمایت از حقوق کودکان اعمال می شود (<https://hammihanonline.ir>).

۲-۴- کشورهای غیر مسلمان

- سن ازدواج در ژاپن

در نظام حقوقی ژاپن، سن قانونی ازدواج برای مردان ۱۸ سال تمام و برای زنان ۱۶ سال تمام تعیین شده است. این تفاوت

سنی، ریشه در سنت های فرهنگی و ساختار تاریخی حقوق خانواده در ژاپن دارد؛ اگرچه در سال های اخیر برخی تلاش ها برای یکسان سازی سن ازدواج میان زن و مرد در جریان است. بر

اساس مقررات مدنی ژاپن، افرادی که کمتر از ۲۰ سال سن دارند، برای ازدواج نیازمند رضایت والدین هستند. به عبارتی، دختران ۱۶ تا ۲۰ سال و پسران ۱۸ تا ۲۰ سال تنها در صورتی می‌توانند ازدواج کنند که موافقت رسمی پدر و مادر یا ولی قانونی خود را کسب کرده باشند. در سال‌های اخیر، بحث‌هایی در محافل حقوقی ژاپن پیرامون پایین بودن سن ازدواج دختران نسبت به پسران و نیز ارتباط این سن با اصل برابری جنسیتی مطرح شده است. برخی نهادهای حقوق بشری برای این باورند که تفاوت سنی و ازدواج زیر ۱۸ سال با استانداردهای کنوانسیون حقوق کودک سازگاری ندارد و خواستار اصلاح قانون در جهت یکسان‌سازی سن ازدواج و افزایش سن ازدواج به ۱۸ سال برای هر دو جنس هستند (<https://go.۲tr.com>).

- سن ازدواج در چین

در کشور چین، ازدواج امری کاملاً حقوقی و تابع مقررات رسمی دولت تلقی می‌شود و هرگونه ازدواجی خارج از چارچوب قانونی، از جمله ازدواج‌های مذهبی یا غیررئیتی (مانند صیغه)، فاقد اعتبار حقوقی است. بر اساس قانون ازدواج جمهوری خلق چین، اصل تک‌همسری به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول بنیادین نظام خانواده مورد تأکید قرار گرفته و چندهمسری جرم محسوب می‌شود.

حداقل سن قانونی ازدواج در چین برای مردان ۲۲ سال تمام و برای زنان ۲۰ سال تمام تعیین شده است. این سن نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه در جهان اسلام، بالاتر و سخت‌گیرانه‌تر در نظر گرفته شده است. قانون‌گذار چینی با اتخاذ چنین سیاستی در پی آن است که ازدواج صرفاً پس از بلوغ جسمی، روانی و اقتصادی زوجین صورت گیرد (<https://guangzhou.mfa.gov.ir>).

- سن ازدواج در ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا، قانون فدرالی مشخصی در خصوص حداقل سن ازدواج وجود ندارد و این موضوع بر عهده ایالت‌ها گذاشته شده است. هر ایالت، قوانین و الزامات خاص خود را در



زمینه ازدواج، از جمله حداقل سن قانونی برای ازدواج، تعیین می‌کند. در ۱۳ ایالت از ۵۰ ایالت یعنی دلور، نیوجرسی، پنسیلوانیا، مینسوتا، رودآیلند، کنتیکت، ماساچوست، ویرجینیا، نیوهمپشایر، واشینگتن، میشیگان، ورمونت، نیویورک حداقل سن ازدواج دقیقاً ۱۸ سال تعیین شده و هیچ‌گونه استثناء (مانند بارداری، اجازه والدین یا حکم قضایی) وجود ندارد.

چهار ایالت کالفرنیا، میسی سی پی، نیو مکزیکو و اوکلاهما حداقل سن مشخصی برای ازدواج ارائه نکرده‌اند. در سایر ایالت‌ها تحت شرایط خاصی مانند اجازه والدین، حکم دادگاه، بارداری، یا خودکفایی همچنان قانونی است.

با توجه به این اطلاعات، می‌توان گفت که ازدواج افراد زیر سن قانونی (۱۸ سال) در اکثر ایالت آمریکا تحت شرایط خاصی همچنان مجاز است. این آمار، به‌ویژه در مورد کشوری مانند ایالات متحده که در عرصه بین‌المللی منتقد پدیده کودک‌همسری در سایر کشورهاست، قابل توجه و تأمل‌برانگیز است (<https://snn.ir/fa>).

کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان تأکید دارند که افراد زیر ۱۸ سال نباید ازدواج کنند، زیرا از نظر این اسناد بین‌المللی، کودکان قادر به اتخاذ تصمیم آزادانه، آگاهانه و مبتنی بر رضایت کامل در خصوص ازدواج نیستند. ایالات متحده تاکنون هیچ‌یک از دو کنوانسیون یادشده را تصویب نکرده است. در نتیجه، تعهدی الزام‌آور نسبت به مفاد آن‌ها در نظام حقوقی داخلی خود ندارد. این در حالی است که در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، ازدواج افراد زیر ۱۸ سال تحت شرایطی خاص (مانند اجازه والدین یا حکم دادگاه) همچنان قانونی است.

از منظر تاریخی نیز، پیش از تصویب قوانین مدرن در ایالت‌های مختلف، سن صلاحیت ازدواج در ایالات متحده بر اساس حقوق عرفی انگلیسی (کامن لا) تعیین می‌شد. طبق این عرف، دختران از سن ۱۲ سالگی و پسران از سن ۱۴ سالگی، به دلیل بلوغ جنسی، واجد شرایط قانونی ازدواج تلقی می‌شدند. این سنین به عنوان حداقل سن بلوغ و توانایی انجام ازدواج در نظر گرفته می‌شد، هرچند که الزامی برای ازدواج در این سنین وجود نداشت.

(<https://hambashi.com>).

ایالات متحده همواره خود را به عنوان یکی از پیشگامان حقوق بشر در جهان معرفی کرده و نقشی فعال در نقد نقض حقوق بشر در سایر کشورها ایفا کرده است. با این حال، واقعیت‌های داخلی این کشور، به ویژه در زمینه ازدواج کودکان، نشان دهنده نوعی دوگانگی گفتمان است. در فرهنگ عمومی و رسانه‌های جریان اصلی آمریکا، پدیده ازدواج کودکان غالباً به عنوان مشکلی متعلق به کشورهای جهان سوم یا «فرهنگ‌های عقب مانده» مطرح می‌شود. این در حالی است که آمارهای رسمی نشان می‌دهد که ازدواج افراد زیر ۱۸ سال در اکثر ایالت‌های آمریکا همچنان قانونی است و هزاران دختر نوجوان در این کشور، در سنین پایین، وارد ازدواج می‌شوند. با وجود چنین آماری، کمتر توجهی به این موضوع در سطح ملی یا بین‌المللی از سوی ایالات متحده معطوف می‌شود. این نوع برخورد، بازتابی از رویکردهای فرهنگ محور و گاه نژاد محور در تحلیل مسائل حقوق بشری است؛ به گونه‌ای که مشکلات مشابه در کشورهای دیگر با شدت محکوم می‌شوند، اما در داخل مرزهای آمریکا نادیده گرفته می‌شوند یا به عنوان موضوعی فرعی و استثنایی قلمداد می‌گردند.

- سن ازدواج در فرانسه

ازدواج در فرانسه دارای چارچوب‌های قانونی و الزاماتی است که به منظور رعایت شفافیت، ثبت رسمی و تضمین حقوق طرفین در نظر گرفته شده است. حداقل سن برای ازدواج در فرانسه ۱۸ سال است. افراد زیر این سن تنها با موافقت والدین یا قیم قانونی و تایید دادگاه می‌توانند ازدواج کنند. این در حالی است که دولت این کشور از سال ۲۰۱۷ در قانون جدید ۱۵ سالگی را حداقل سن قانونی برای ارتباط جنسی مبتنی بر رضایت تعیین کرده است بدون اینکه ملاکات کنوانسیون حقوق کودک را ملاحظه کرده باشد (<https://khabarfarsi.com>)

ازدواج در فرانسه تابع قوانین مشخصی است که با هدف تضمین حقوق طرفین، شفافیت قانونی و ثبت رسمی ازدواج طراحی شده‌اند. بر اساس قانون مدنی فرانسه، حداقل سن قانونی برای ازدواج ۱۸ سال است. ازدواج افراد زیر این سن تنها در موارد استثنایی و با موافقت والدین یا قیم قانونی و همچنین تأیید دادگاه مجاز است. این استثنایا عمده‌تاً در موارد اضطراری یا

شرایط خاص، مانند بارداری، قابل اعمال هستند.

در کنار این مقررات، سن رضایت جنسی در فرانسه موضوعی بحث برانگیز بوده است. طبق اصلاحات قانونی مصوب سال ۲۰۱۷ و به روزرسانی‌های سال‌های بعد، حداقل سن رضایت جنسی ۱۵ سال تعیین شده است؛ به این معنا که رابطه جنسی با افراد زیر ۱۵ سال حتی در صورت رضایت آن‌ها، جرم تلقی می‌شود. ماده ۲۲۷-۲۵ قانون کیفری فرانسه تعیین می‌کند که رابطه جنسی با افراد زیر ۱۵ سال (حتی با رضایت آن‌ها) تلقی جرم است و مجازات آن تا ۷ سال حبس و جریمه تا ۱۵۰۰۰۰ یورو است. علاوه بر آن، قانون ۲۰۲۱-۴۷۸ مورخ ۲۱ آوریل ۲۰۲۱ اصلاحی اعمال کرد که بیان می‌کند هرگونه رابطه جنسی با افراد زیر ۱۵ سال، صرف نظر از وجود خشونت یا تهدید، به عنوان تجاوز یا آزار جنسی تلقی می‌شود — و نیاز به اثبات زور یا تهدید نیست این در حالی است که برخی منتقدان معتقدند تعیین چنین سنینی بدون توجه کامل به مفاد کنوانسیون حقوق کودک — که افراد زیر ۱۸ سال را نیازمند حمایت مضاعف می‌داند — ممکن است به نوعی تناقض در نظام حمایتی از کودکان منجر شود (<https://Wikipedia.com>). از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشر، به‌ویژه براساس کنوانسیون حقوق کودک، ایجاد تمایز میان سن ازدواج و سن رضایت جنسی می‌تواند خطر تساهل در برابر استثمار جنسی نوجوانان را به همراه داشته باشد. منتقدان بر این باورند که اگرچه هدف قانون‌گذاران فرانسوی تنظیم واقعیت‌های اجتماعی بوده است، اما عدم تطابق کامل با معیارهای بین‌المللی حقوق کودک می‌تواند پیامدهای حقوقی و اخلاقی در پی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی ملاک‌های سن ازدواج در فقه اسلامی، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک نشان می‌دهد که نظام فقهی و قوانین ایران با تأکید بر مفهوم بلوغ عقلی و رشد واقعی فرد رویکردی جامع‌تر و منعطف‌تر نسبت به صرف تعیین حداقل سن تقویمی ارائه می‌دهد. فقه اسلامی با در نظر گرفتن ملاک‌های متعددی مانند بلوغ جسمانی، عقلی و توانایی درک و تمییز، تلاش کرده است تا اهلیت ازدواج را مبتنی بر رشد واقعی و ظرفیت تصمیم‌گیری آگاهانه

فرد قرار دهد، نه صرفاً سن عددی. این رویکرد در قانون مدنی ایران نیز به شکل قانون رشد (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) منعکس شده است که ملاک اصلی اهلیت را «رشد عقلی» دانسته و شرایط فرد را به صورت واقع بینانه و منعطف لحاظ می کند.

در مقابل، کنوانسیون حقوق کودک علی رغم نقش برجسته ای که در حمایت از حقوق کودکان دارد، با تعیین سنی ثابت و غیرقابل انعطاف ۱۸ سال، به نظر می رسد به گونه ای کلیشه ای به موضوع نگاه کرده و از ظرفیت های فردی و تفاوت های رشد روانی و عقلی کودکان صرف نظر می کند.

با این حال، رویکرد فقه و حقوق ایران نیز نیازمند اصلاحاتی است تا از هرگونه سوءاستفاده احتمالی جلوگیری و رضایت واقعی و مصلحت کودک به درستی تضمین شود. با تأکید بر اصل رشد و بلوغ در فقه و حقوق ایران، می توان مدلی انعطاف پذیر و منطبق بر واقعیت های فردی ارائه داد که هم حرمت کودکی را حفظ می کند و هم امکان تصمیم گیری آگاهانه و مسئولانه را برای نوجوانان فراهم می سازد.

در نهایت، این رویکرد می تواند الگویی متری و متعادل برای تنظیم قوانین ازدواج باشد که ضمن رعایت موازین حقوق بشر، ظرفیت های فردی را نیز به رسمیت می شناسد و از یکسان سازی صرف سن جلوگیری می کند.





منابع

- قرآن مجید، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۱. قانون مدنی.
۲. قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱.
۳. کنوانسیون حقوق کودک.
۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۵. ابن کثیر، إسماعیل (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. انصاری، مرتضی (۱۳۷۸) المکاسب، تحقیق: کمیته تحقیق آثار شیخ انصاری، قم: مؤسسه الهادی، مجمع الفکر الاسلامی.
۷. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۸. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعه الی التحصیل المسائل الشریعة، قم: مؤسسه ال البيت (علیهم السلام) الاحیاء التراث.
۹. حسینی مراغی (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. حسینی مراغی، میر عبد المفتاح (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. حلی (علامه حلی)، جعفر بن حسن (۱۴۱۲). مختلف الشیعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۲. صفائی، حسین، امامی، اسدالله (۱۳۷۸). حقوق خانواده، چاپ هفتم، تهران، نشر انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۳۹۱). مستمسک العروة الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. طباطبائی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰). العروة الوثقی مع تعلیقات عدة من الفقهاء، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. طباطبائی، سیّد محمد حسین (بی تا). میزان فی تفسیر القرآن، بی جا: منشورات

اسماعیلیان.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تعلیق: جمعی از علماء و محققین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة، چاپ سوم، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۸. کریمی، حسین (۱۳۸۹). العقل والبلوغ عند الإمامیة، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۹. گرجی، ابوالقاسم، با همکاری حسین صفایی و دیگران (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشکاه تهران.
۲۰. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۱). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. همدانی، آقا رضا (بی تا). مصباح الفقیه، تهران: مکتبه الصدر.

سایت ها

1. <https://www.dw.com/fa-ir>
2. <https://fa.alalam.ir>
3. <https://dmelal.ir>
4. <https://www.dw.com/fa-af>
5. <https://dmelal.ir>
6. <https://hammihanonline.ir>
7. <https://go2tr.com>
8. <https://guangzhou.mfa.gov.ir>
9. <https://snn.ir/fa>
10. <https://hambashi.com>
11. <https://khabarfarsi.com>
12. <https://Wikipedia.com>